



سیاست‌های مناسب برای تولید داخلی در موسسه عالی پژوهش بررسی شد

## صنعت کشور میراث‌دار ۵ شوک اقتصادی است

به همت موسسه عالی پژوهش نشست «سیاست‌های مناسب برای تولید داخلی» با سخنرانی دکترحجت‌الله میرزایی، معاون برنامه‌ریزی شهرداری تهران و با حضور جمعی از کارشناسان، صاحب نظران و علاقه‌مندان این حوزه در سالن کنفرانس سازمان تأمین اجتماعی برگزار شد.

به گزارش هفته‌نامه تأمین، حجت‌الله میرزایی در این نشست از واردات، افزایش قیمت حامل‌های انرژی، افزایش نرخ ارز، افزایش ناگهانی نرخ سود بانکی و خصوصی‌سازی به عنوان ۵ شوک که در طول ۱۵ سال گذشته به بنگاه‌های صنعتی وارد شده است، نام برد.

وی با بیان اینکه در سال‌های بین ۹۱ تا ۹۵ متوسط رشد اقتصادی ایران منفی ۲ بوده است، گفت: در این سال‌ها همچنین با آثار و پیامدهای جدی ناشی از تحریم‌ها روبرو بودیم و از طرفی در همین سال‌ها با جهش نرخ ارز نیز مواجه شده‌ایم.

میرزایی افزود: در ۴۰ سال گذشته نرخ ارز، دارای نوسان بسیار زیاد بوده و بدون احتساب افزایش جدید نرخ ارز کنونی، حدود ۵۵۰ برابر شده است. این درحالی است که ارز، متغیر بسیار تعیین‌کننده‌ای در فضای اقتصادی کشور که کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای وابسته به واردات هستند، به شمار می‌رود. از طرفی نوسازی صنعتی نیز وابسته به واردات بوده است و چنین اتفاقی در جهان بی‌سابقه است.

به گفته‌ی وی، تحولات صنعتی کاملاً پیوسته و مرتبط با تحولات اقتصاد کلان و تحولات منطقه‌ای و جهان است و امکان اینکه بنگاه‌های تولیدی در سطح ملی و جدا از اقتصاد کلان و جهانی بررسی شود، وجود ندارد. از این رو بخش صنعت در اقتصاد ایران که عمدتاً در صنعت فولاد و صنایع شیمیایی فعال است، از این تأثیرات دور نمانده است.

دکتر میرزایی تصریح کرد: بر این اساس، بنگاه‌های اقتصادی با دولت، نظام علم و فناوری، جامعه مدنی، تشکل‌های اقتصادی، بازار و نهاد‌های تأمین مالی ارتباط وثیقی پیدا می‌کنند و در نتیجه رفتار تمامی این عوامل بر فعالیت بنگاه‌ها تأثیرگذار است و نباید عملکرد این مراکز به طور انزاعی و جدا از این رویکرد ارزیابی شود.

این تحلیلگر مسائل اقتصادی، با بیان اینکه در طول ۱۵ سال اخیر، ۵ شوک به بنگاه‌های صنعتی وارد شده است، افزود: یکی از این شوک‌ها واردات بوده است که از سال ۸۴ یعنی سال اول دولت نهم، آغاز شد و در مدت کوتاهی به ۱۲۰ میلیارد دلار رسید. این افزایش ۴ برابری واردات قدرت رقابت‌پذیری بخش بزرگی از بنگاه‌ها را به شدت کاهش داد و از بین برد. با بررسی مسئله در چهارچوب بیماری هلندی (رکود فعالیت صنعتی ناشی از ورود بی‌رویه ارز)، می‌توانیم آثار آن را در فروپاشی صنعتی ملموس‌تر بنگریم. به این معنا که برای کنترل تورم با اتکا بر درآمدهای ارزی، صنایع و کالاهایی که امکان واردات گسترده آن وجود داشت، به میزان وسیعی وارد شد.

دکتر میرزایی شوک دوم بنگاه‌های صنعتی را افزایش قیمت حامل‌های انرژی برشمرد و گفت: این مسئله از سال ۸۹ با تصویب قانون هدفمندی

ضوابط سختی است و پذیرندگان موظف هستند در یک دوره زمانی، فناوری، کیفیت و صادرات را افزایش و هزینه تولید را کاهش دهند؛ بدون اینکه سطح اشتغال را در دوره‌های اول پایین بیاورند. از این رو خصوصی‌سازی همراه با نظارت‌های سنگین انجام می‌شود.

وی تصریح کرد: در کشور ما از اینکه خریداران بپذیرند تخصص، توان مالی و مدیریتی دارند، ارزیابی نمی‌شود و بدترین شکل آن این است که با اخراج کارگران توسط صاحبان جدید، بحران اشتغال در جامعه ایجاد شده است. معاون برنامه‌ریزی، توسعه شهری و امور شورای شهرداری تهران با بیان اینکه علاوه بر شوک خصوصی‌سازی، شوک دیگری هم سازمان تأمین اجتماعی را تحت تأثیر قرار داد، افزود: مسئله بعدی شوک استخدام بود. شوک استخدام از سال ۸۹ با عنوان به کارگیری نیروی جدید، باعث تحمیل شدن تعداد زیادی از کارکنان به بنگاه‌های بخش عمومی شد که در برخی از موارد، تعداد این کارکنان ده‌ها هزار برابر نیاز واقعی است. برای مثال، در ذوب‌آهن حدود ۱۰ هزار نفر، در بانک توسعه تعاون حدود هزار نفر، در شرکت آسمان حدود ۷۰۰ نفر، در سازمان تأمین اجتماعی حدود ۱۱ هزار نفر و در دخانیات و غیره نیز به همین روش، تعداد کارکنان افزایش یافت. گفته می‌شود این نیروها، افراد غیرکارشناس و غیرمتخصص بودند که جایگزین نیروهای متخصص شدند. دکتر میرزایی در ادامه، مشکلات مربوط به فعالیت‌های صنعتی را در چهارسطح «عوامل نهادی»، «عوامل ساختاری»، «اقتصاد کلان» و «سطح بنگاه» بررسی کرد.

وی در زمینه عوامل نهادی افزود: مهمترین ویژگی نهادی، «کیفیت نهادی پایین» در بخش صنعت است. این مسئله ناشی از سه مولفه شامل ساختار و کارکرد دولت، تضمین حقوق مالکیت و نظام انگیزشی است.

معاون برنامه‌ریزی شهرداری تهران گفت: مهمترین پیامد این سه عامل برای بنگاه‌های اقتصادی، افزایش هزینه‌های مبادلاتی است. هزینه‌های مبادلاتی شامل هزینه‌هایی است که نباید باشد، اما وجود دارد و از طرفی در هزینه‌های آشکار نیز دیده نمی‌شود. این هزینه‌ها در قالب هزینه‌های فساد، هزینه‌های زیرزمینی، هزینه‌های ناشی از عدم تعهد شرکا یا مشتریان به تعهدات خود و غیره ایجاد می‌شود. بخش مهمی از این هزینه‌ها ناشی از ناکارآمدی برنامه‌های دولت است. اما بخش مهمی نیز مربوط به سرمایه اجتماعی پایین و بی‌ای بند نبودن شرکا به تعهدات خود است که پیامدهایی مانند افزایش هزینه‌های پیگیری و اجرای قراردادها را به دنبال دارد.

دکتر میرزایی «فروش‌های تکلیفی» را از دیگر انواع هزینه‌های مبادلاتی برشمرد و افزود: مانند اینکه یک مقام استانی تکلیف کند، محصولات یک شرکت کجا فروخته شود. این الزام‌ها، اشکال منطقه‌ای نیز پیدا می‌کند و در سطح محلی، هزینه‌های زیادی را بر بنگاه‌های اقتصادی تحمیل می‌کند. وی اظهار داشت: در برخی مواقع، بنگاه‌های بخش عمومی به ویژه بنگاه‌های وابسته به صندوق‌های بازنشستگی، حکم گاو شیرده را در مناطق دارند و بخش مهمی از هزینه‌های منطقه‌ای مانند هزینه‌های برگزاری مراسم را باید تأمین کنند.

به گفته میرزایی، تحمیل سرمایه‌گذاری‌های غیرموجه در سطح منطقه‌ای از دیگر انواع هزینه‌های مبادلاتی به شمار می‌رود.

وی پیامد هزینه‌های مبادلاتی را برای بنگاه‌های اقتصادی بسیار سنگین دانست و افزود: یکی از پیامدهای آن، افزایش ریسک برای بنگاه‌ها است و نتیجه نهایی این است که بنگاه‌های ما قدرت رقابت‌پذیری با سایر بنگاه‌های خصوصی را در سطح کشور از دست می‌دهند. حتی بنگاه‌های خصوصی نیز مصون از این فشارها نیستند.

معاون برنامه‌ریزی شهرداری، مشکلات ناشی از عوامل ساختاری صنعت را منجر به کاهش قدرت رقابت‌پذیری و آسیب‌پذیری از نوسانات اقتصادی بیان کرد و گفت: یکی از علت‌های آن مربوط به نبود راهبرد صنعتی است. راهبرد صنعتی نیازمند بررسی درست برای انتخاب مناسب فعالیت‌های صنعتی است؛ اما معمولاً نوعی تیول داری صنعتی در هر منطقه وجود دارد و مسئولان معمولاً نوعی «بسته» توسعه صنعتی از جمله کارخانه فولاد، پتروشیمی، دانشگاه آزاد و سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد را پیگیری می‌کنند که مناسب هر منطقه‌ای نیست.

دکتر میرزایی با بیان اینکه لحاظ نکردن «زنجیره ارزش» علت عمده توقف فعالیت‌های صنعتی است، اظهار کرد: برای مثال، در دوره دولت دهم، ۸ بنگاه صنعتی فولاد تاسیس شد که هیچ‌کدام به بهره‌برداری نرسید؛ زیرا مکان‌یابی درستی انجام نشده و این مراکز در مناطق فاقد آب پایه‌ریزی شده بود. این درحالی است که از چند سال گذشته آن تأکید بر پایان دادن تولید فولاد شده بود.

وی یکی دیگر از عوامل رکود صنعت و مشکلات بنگاه‌های صنعتی را مربوط به قدیمی بودن تجهیزات و دستگاه‌های تولیدی بیان کرد و گفت: در چهار دهه اخیر، فناوری جدیدی به کشور منتقل نشده و نوسازی صنعتی انجام نشده است. در برخی از بنگاه‌های صنعتی، ۳۰ درصد هدررفت منابع وجود دارد و این بنگاه‌ها با ملاحظات امنیتی ادامه فعالیت می‌دهند؛ زیرا هزاران کارگر در آنجا مشغول به فعالیت هستند.

پارانه‌ها ایجاد شد. این شوک به قدری جدی بود که هم هزینه‌های بنگاه‌ها را به شدت افزایش داد و نیز سرعت گردش پول را برای آنها به شدت بالا برد. زیرا بنگاه‌ها غیر از پرداخت این هزینه‌ها، ناچار بودند مبالغ چندین برابری را در دوره کوتاه‌تری که از قبض‌های دو ماهه به یک ماهه تبدیل شده بود، پرداخت کنند. بر این اساس، بسیاری از بنگاه‌ها توانایی پرداخت هزینه‌های حمل‌ونقل کامیون‌های حامل مواد اولیه را از دست دادند.

وی اظهار داشت: سومین شوک، مربوط به نرخ ارز بود که از سال ۹۱ و هم‌زمان با شوک تحریم‌ها آغاز شد. تحریم‌ها، هم‌واردات کالاهای سرمایه‌ای و نیز واسطه‌ای را با محدودیت مواجه کرد. نکته مهم این که تحریم جدید با عنوان تحریم‌های هوشمند نام‌گذاری شده بود که بر اساس آن به طور مشخص، ابزارهایی که نقش اساسی در تولید کالاهای اساسی داشتند مانند نوعی از بلبرینگ تحریم شد. این مسئله در مجموع، فرآیند تولید را مختل کرد. معاون برنامه‌ریزی، توسعه شهری و امور شورای شهرداری تهران افزود: تحریم‌ها و محدود شدن دسترسی به مواد اولیه و سرمایه‌ای باعث افزایش هزینه‌های تولید شد. برای مثال برخی از مواد اولیه‌ای که در صنعت فولاد با قیمت ارزان از آلمان وارد می‌شد، با قیمت ۵ تا ۱۰ برابر از هند خریداری شد. آن هم با کیفیت بسیار پایین و طی شدن زمان طولانی برای دریافت محصول. از این رو مقدار زیادی هدررفت در مواد اولیه ایجاد شد.

میرزایی شوک چهارم را مربوط به افزایش ناگهانی نرخ سود بانکی برشمرد و گفت: نرخ سود بانکی از ۱۲ درصد به ۱۸ درصد و سپس ۲۰ درصد، ۲۴ درصد، ۲۸ درصد و در مواردی به ۳۰ درصد رسید و می‌توان گفت، در مجموع میانگین سود بانکی از سال ۹۰ به بعد، به بالاتر از ۲۵ درصد رسید. زیرا بخش مهمی از منابع مالی در بازار رسمی و غیررسمی تأمین می‌شد و نرخ سود این بازارها به شدت بالا بود. از این رو نباید نرخ سود رسمی اعلام شده در شبکه بانکی معیار قرار بگیرد.

وی گفت: شوک دیگر مربوط به خصوصی‌سازی است که با پیگیری دولت نهم و دهم به اوج خود رسید. از دهه ۸۰ به بعد تا به امروز، نزدیک به ۶۵ درصد همه خصوصی‌سازی‌ها تنها در این دوره ایجاد شد. نکته تکان‌دهنده‌تر اینکه حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد خصوصی‌سازی‌ها در سه ماهه آخر دولت دهم با توجه به پایان یافتن دوره این دولت رخ داد.

معاون برنامه‌ریزی شهرداری تهران افزود: خصوصی‌سازی به شدت به تولید ملی آسیب زده است. واقعیت این است که خصوصی‌سازی یکی از بدترین طرح‌هایی بوده است که در ایران در چارچوب برنامه‌های تعدیل از دهه ۷۰ آغاز شد و تا به امروز نیز ادامه دارد. بزرگ‌ترین خطای ما این است که خصوصی‌سازی به عنوان مسیر تأمین مالی یا جبران کسر بودجه دولت در نظر گرفته شد و درآمد آن در بودجه سالانه پیش‌بینی شد؛ اما در هیچ‌یک از کشورها خصوصی‌سازی روش تأمین مالی نیست، بلکه روش توسعه صنعتی است.

دکتر میرزایی اظهار داشت: در کشورهای پیشرفته، خصوصی‌سازی دارای

در ۴ سال گذشته نرخ ارز، دارای نوسان بسیار زیاد بوده و ۵۵۰ برابر شده است.

نوسازی صنعتی نیز وابسته به واردات بوده است و چنین اتفاقی در جهان بی‌سابقه است.

در طول ۱۵ سال اخیر، ۵ شوک به بنگاه‌های صنعتی وارد شده است: یکی از این شوک‌ها واردات بوده است که از سال ۸۴ یعنی سال اول دولت نهم، آغاز شد و در مدت کوتاهی به ۱۲۰ میلیارد دلار رسید.

خصوصی‌سازی یکی از بدترین طرح‌های بوده است که در ایران در چارچوب برنامه‌های تعدیل از دهه ۷۰ آغاز شد.